

**چندوچون نیل به عدالت در گام دوم انقلاب در گفت‌وگو با مجتبی احمدی، پژوهشگر مسائل اجتماعی و دینی**

# قدم اول در گام دوم نقد گام اول با نگاه عدالتخواهانه است

**جامعه عدالتخواه لازمه تحقق گام دوم انقلاب**

بسیاری در راستای نیل بدین هدف داشته که نسبت به سنگلاخ‌های مسیر شاهکار محسوب می‌شود اما همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی بر تر از اینهاست و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌هاست.»بر این اساس نیل به عدالت نیازمند تلاش بیشتر است و بخشی از این تلاش معطوف به نقد و بررسی عملکرد ۴۰ سال گذشته و کندوکاو مسیر پیش‌رو بازمی‌گردد، بدین جهت مصاحبه‌ای با مجتبی احمدی، پژوهشگر مسائل اجتماعی و دینی و فارغ‌التحصیل دانشگاه امام صادق (ع)، ترتیب داده‌ایم. او معتقد است گام دوم انقلاب تنها در صورتی محقق خواهد شد که جامعه‌ای عدالتخواه شکل گیرد. مشروح مصاحبه با وی درباره چندوچون جامعه عدالتخواه از نظر می‌گذرد.



**گفت‌وگو**

**محمدصادق عبدالهی**

**جناب احمدی آن‌طور که پیش از انجام مصاحبه فرمودید شما معتقد به اولویت ساخت یک جامعه عدالتخواه برای تحقق گام دوم انقلاب هستید و معتقدید در گام اول ما از این اولویت غفلت کردیم و جنبش عدالتخواهانه دهه ۵۰ را به جامعه عدالتخواه بدل نساختیم. چرا و چگونه به این نتیجه رسیدهاید و این جامعه عدالتخواهی که می‌فرمایید دقیقاً به چه معناست؟**

جامعه عدالتخواه، یک سنت الهی است. به نظر من اینکه خداوند جهان انسانی را این همه متکثر آفریده است و نظر کمی جز قریب به ۸ میلیارد جمعیت را خلق کرده است دلیلی جز نیل به هدف والای عدالت نداشته است، چون ذات خداوند ذات عدالتخواهی است و خداوند خود را «قائماً بالقیسط» معرفی می‌کند و می‌فرماید: «شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» از سوی دیگر اعتقاد ما بر این است که عالم عرصه تجلی صفات خداوند است لذا همانطور که خدا ز راق بوده و جهانی آفریده که رزاقیت در آن محقق شود، عدالت نیز تجلی باید. خداوند خودش می‌فرماید: «قَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» این آیه مطلق و درباره همه انبیاست و رسالت همه انبیا را اقام به قسط می‌داند. وقتی می‌شود گفت به یک جامعه مطلوب رسیدهایم که در آن مردم موفق شوند عدالت را برقرار کنند، در غیر این صورت خواست خداوند محقق نشده و زیبایی عدالت را که خداوند دنبالش بوده شکل نگرفته است. این هم که می‌گوییم جامعه عدالتخواه منظوم و محدوده مشخصی از ۸ میلیارد انسان نیست، جامعه عدالتخواه یک جامعه جهانی است. اصلاً نمی‌شود با نگاه الهیاتی به جهان نگرد و گفت منظور خدا فقط یک بنده است. وقتی می‌گوییم «لِيَقُومَ النَّاسُ» یعنی همه مردم یعنی حتی مردم امریکا و همه خلق الله. یکی از دلایلی که انقلاب اسلامی نمی‌تواند تنها یک مسئله ایرانی جلوه کند، همین است. اگر ما می‌گوییم در ادامه راه انبیا هستیم و انبیا هم رسولانی می‌ذات اقدس الهی هستند، این سنت الهی است که ما

باید دغدغه جهان انسانی را داشته باشیم. مسئله خدا و مسئله انبیا، مدنیت مبتنی بر عدالت است، کما اینکه حضرت خاتم هم وقتی مردم مکه ایشان را یاری نکردند که مدنیت مبتنی بر عدالت را محقق سازد و به شهر یش رفتند و مردم این شهر پای کار آمدند، پروسه مدنیت مبتنی بر عدالت پیاده شد و خداوند نیز احکامی را برای تنظیم این نوع از زندگی مبتنی بر عدالت ارسال کرد تا عقلانیت اسلامی بین مردم رشد یابد و عدالت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... گام به گام در این جامعه تحقق

یابد. ما معتقدیم فقه ما نیز باید مدنیت مبتنی بر عدالت را رقم بزند. انقلاب اسلامی نیز در ذات خودش یک جنبش عدالتخواهانه بوده است و شعارهایی مثل استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی امتداد آن شعار عدالت و برآمده از آن است. این جنبش عدالتخواهانه بایستی می‌آمد و به جامعه عدالتخواه تبدیل می‌شد. یعنی از جنبش به نظم اجتماعی می‌رسد و یک مدنیت مبتنی بر عدالت را می‌ساخت. اگر این اتفاق رخ دهد، آن وقت این مدل امکان تکثیر در تمام جهان را دارد و می‌تواند به یک الگوی جهانی بدل شود که اسمش را تمدن اسلامی می‌گذاریم. به هر حال من فکر می‌کنم ما به این سمت نرفته‌یم و الان گیر داریم، من معتقدم ما وقتی می‌توانیم به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کنیم که در درون مرزهایمان توانسته باشیم الگوهای فراقلتی جامعه عدالتخواهی را آماده کرده باشیم، وقتی اینطور می‌شود جوامع دیگر خودشان به سمت الگوپذیری از ما خواهند آمد و اصلاً نیازی نخواهد بود که ما بخواهیم سایرین را مشتاق کنیم، اگر کار درست و حسابی انجام دهیم، سایرین خواهند آمد و از ما الهام خواهند گرفت.

**آنچه که گفتید ناظر بر اهمیت عدالتخواهی بود و اینکه غایت عدالتخواهی انقلاب اسلامی چیست. اما خیلی کلی است و به نظر برای نیل به هدف باید مصداقی و جزئی‌تر به مسئله پرداخت. لذا اگر بخواهم صریح‌تر بپرسم این جامعه عدالتخواه یعنی چه و ما دقیقاً از جامعه چه چیزی می‌خواهیم؟ به صورت ظفری از هر فردی که بپرسیم آیا دنبال عدالت هستیم؟ یا سخن مثبت است و اصلاً نداریم کسی که**

**بگوید عدالت برای من معنا و مفهومی ندارد، شاید اختلاف در تعاریف و برداشتها از عدالت باشد اما عدالتخواهی وجود دارد و هست.**

اول اینکه جامعه متکثر است. قرآن هم «ناس» را خطاب قرار داده نه مومنون را و هنر انبیا این است که کسانی را جذب کنند که از ناس باشند نه مومنون. من فکر می‌کنم در گام اول انقلاب بیشتر تمرکزمان بر مومنون بوده است و مومنین عدالتخواه را برای دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی کافی دیده‌ایم و شاید گاهی سایرین را طرد هم کردیم و بر همین اساس است که رهبر انقلاب مرتباً در گام اول بر جذب حداکثری تأکید داشتند. تازه همین مومنین را هم مبتنی بسر تأکیدات ایدئولوژی خاص گلچین کردیم. ما معتقدیم سنت الهی بر فراهم آوردن بستری است که همه بتوانند عدالتخواهی کنند تا در این مسیر عدالتخواهی خودشان نیز رشد کنند؛ جامعه اگر ره‌ا کنی در امیال و بدویتش و منافع شخصی‌اش می‌ماند. برای عدالت باید تربیت شویم و گر نه جامعه‌ای داریم که فقط به فکر خودش است و در برابر دیگران می‌گوید ول کن بابا دست بذار کلاه خودت را باد نیزدا جامعه به صورت طبیعی طول می‌کشد تا عدالتخواه شود، حالا اگر با این نگاه جنب حداقلی خودمان نیز محدودیت ایجاد کردیم و عده‌ای را در پروسه تربیتی نیاوردیم و آنها را نادیده گرفتیم، دچار شکاف اجتماعی می‌شویم و با حاکمیتی مواجه می‌شویم که ادعای عدالت هم دارد اما موفق نشده جامعه‌اش را برای عدالتخواهی تربیت کند و سر بزرگانه وقتی حاکمیت نیاز به جامعه دارد و مثلاً در جنگ اقتصادی از مردمش می‌خواهد که کمتر مصرف کنند، نه تنها کسی گوشش بدهکار نیست بلکه مدعی هم می‌شوند و می‌گویند دیقی که برای من نجوشد سر سگ در آن بجوشد! او این یعنی رسیده به یک بی‌تفاوتی. البته خیلی از مسئولان همین را می‌خواهند، می‌خواهند که جامعه‌ای داشته باشیم که عدالتخواه نباشد تا از حق خودش و حق همنوعانش کنده شود و از مسئولان و مدیران مطالبه‌گری کنند. امیرالمومنین به مالک گفتند ستون دین و بستر همبستگی و ذخیره روزی که می‌خواهی به جنگ دشمنانت بروی عموم مردم هستند و اگر عموم مردم رانداشته باشی نمی‌توانی این پروسه را

منافع سرمایه‌داری است، جهانی است که همه چیز حتی اخلاق را هم اگر نتوانند تبدیل به کالا و از آن سرمایه تولید می‌کنند. ما معتقدیم جامعه عدالتخواه بایستی برای عبور از این پیچیدگی‌ها، نگاه انتقادی داشته باشد. تک تک افراد جامعه باید به خودشانش هم نگاه انتقادی داشته باشند. ببینید خداوند در قرآن کریم چقدر آیه در نقد انسان نازل فرموده است و حتی مومنین و بالاتر از آن انبیا را نقد کرده چون خداوند می‌داند جهان انسانی جهان خطرناکی است. او به انسان هوش بالا، میل فراوان، قدرت بالا و توانایی‌های خارق‌العاده عطا کرده و اگر این انسان نقد نشود تا جایی پیش می‌رود که با بمب اتم به سر همونع خودش می‌زند. لذا باید ایسن منطق نقادی را در جامعه جا انداخت و جامعه مرتباً به نقادی خود بپردازد تا بتواند پیچیدگی‌ها را اشکار و کجی‌ها را مشخص کند.

**وظیفه اصلی تربیت چنین جامعه‌ای بر عهده کیست؟**

انقلاب اسلامی حاصل یک جنبش اجتماعی است و گام بعد بایستی این می‌بود که این جنبش اجتماعی در فرم‌های اجتماعی تبدیل به جامعه عدالتخواه شود تا این جامعه عدالتخواه همه چیز را بسازد. اگر اهتمام ما بر این باشد که فرآیندهای اجتماعی به درستی شکل بگیرد به نقطه‌ای خواهیم رسید که دولت که بر ساخت جامعه است نیز به درستی شکل می‌گیرد. دولت که یک طبقه ممتاز خاص نیست که بر جامعه حکومت کند، در منطق جمهوریّت ما دولت حاصل جامعه است، انقلاب اسلامی که یک الیگارش‌ی نیست، انقلاب اسلامی حاصل یک جنبش اجتماعی است و از دل مردم برآمده، حالا چه کار کنیم که این جنبش اجتماعی عدالتخواه بتواند یک دولت عدالتخواه هم بسازد؟ وقتی روندهای اجتماعی ما درست نیست، طبیعتاً دولت هم به درستی شکل نمی‌گیرد. الان به گفته رهبر انقلاب ۴۰ سال است پشت دولت اسلامی معطل مانده‌ایم و این پروسه به سرانجام نمی‌رسد، بله نشده و با این روند نمی‌شود؛ این حرف من نیست، پیامبر خدا فرمود همانگونه که هستید بر شما حکمرانی می‌شود. امیرالمومنین نیز فرمودند جامعه اصلاح نمی‌شود مگر اینکه حکومت و والیان اصلاح شوند و والیان اصلاح نمی‌شوند جز با اینکه جامعه اهل استقامت و مطالبه حق باشند، یعنی این چرخه هر چند بر هم کنش دارد اما از جامعه آغاز می‌شود و ما باید تمرکز خود را بر تربیت جامعه‌ای عدالتخواه قرار دهیم. من باور دارم که انقلاب اسلامی با فرهنگ می‌تواند در تاریخ باقی بماند چون فرهنگ است

## د

انقلاب اسلامی حاصل یک جنبش اجتماعی است و گام بعد بایستی این می‌بود که این جنبش اجتماعی عدالتخواه شود تا این جامعه عدالتخواه همه چیز را بسازد. اگر اهتمام ما بر این باشد که فرآیندهای اجتماعی به درستی شکل بگیرد به نقطه‌ای خواهیم رسید که دولت که بر ساخت جامعه است نیز به درستی شکل می‌گیرد. دولت که یک طبقه ممتاز خاص نیست که بر جامعه حکومت کند، در منطق جمهوریّت ما دولت ما حاصل جامعه است

ک نسل‌ها باقی می‌ماند. یک فرهنگ در تاریخ ماندگار می‌شود اما یک دولت می‌گذرد و اگر فرهنگ مناسبی وجود نداشته دولتی دیگر می‌تواند جامعه را باز از راه خود منحرف کند.

**این جامعه عدالتخواه در ۴۰ سال گذشته و همچنین در گام دوم چیست؟**

در گام اول به خاطر جنگ، ترو‌رهای مافوقنق، فعالیت گروهک‌های ضد انقلاب و اتفاقاتی از این دست شرایط کشور کمی امنیتی شد، ماها در وقتیم به این سمت که جنبش عدالتخواهانه انقلابی را در جامعه نهاده‌یدنه کشیم و آن را با فرآیندهای اجتماعی و توزیع مسئولیت در جامعه زنده نگاه داریم. گاهی به اسم حفظ ثبات فضای کتشنگری از مردم گرفته شده، طبیعتاً وقتی مردم فضای کتشنگری می‌باشند، رشد خواهند کرد و اینطور در یک هفته تحت تأثیر جاروجنجال و شعارهای خوش رنگ و لعاب رأی می‌دهند و دولت‌هایی انتخاب می‌شوند که باز دامن می‌زنند به امنیتی نشدن فضا و خاموش شدن شعله‌های عدالتخواهی در جامعه و جامعه سوق پیدا می‌کند به سمت یک جامعه توده‌ای که هر کسی می‌تواند با زبان بازی و جریحه‌دار کردن احساسات بالا برود، در حالی که جامعه عدالتخواه، جامعه‌ای باهوش و تیزهوش است و از آنجا که یک جامعه به تمام معنا انتقادی است هیچ کس جرئت نمی‌کند حرف‌هایی بی‌پایه و اساس و مبتذل بزند چون بلافاصله در معرض نقد قرار می‌گیرد. لذا درک غلط از تأمین امنیت و ثبات از موانع تربیت جامعه عدالتخواه است. امیرالمومنین می‌گوید مردم برای بقای حکومتی که در آن عدالت جاری است طمع دارند، یعنی مردم می‌گویند اتفاقاً این حکومت باید بماند، یعنی خودشان امنیت را تضمین و دشمن را از براندازی ناامید می‌کنند، فرقه را می‌شود حذف کرد اما جامعه را نمی‌شود حذف کرد. نباید از اشتباهات مردم ترسید، مگر حاکمان کم اشتباه کردند، حالا دو دهم هم بگذاریم مردم اشتباه کنند اما در عوض مردم بزرگ می‌شوند و رشد می‌کنند. انقلاب اسلامی و

جمهوری اسلامی پایه‌اش بر یک ملت عدالتخواه است و این ملت باید محکم باشد تا انقلاب هم محکم باشد و راهش را دقیق و با قدرت برود و به ظهور برسد چون ظهور را فرار نیست یک فرقه رقم بزند. ظهور یک حرکت جهانی است.

یکی دیگری از موانع موجود بر سر راه جامعه عدالتخواه، فهم‌های غلطی است که برخی آقایان از دین دارند، برخی‌ها بااستناد به آیاتی مثل «کثر الناس لا یعقلون» به کلی مردم و جمهوریت را کتار می‌زنند و می‌گویند اکثر مردم اصلاً نمی‌فهمند! من این آیه را انکار نمی‌کنم، اما این آیه بدین جهت نیست که این اکثر ناس را ول کنیم بلکه از این جهت است که این اکثر ناس را بیاوریم، عاقل کنیم و با همین‌ها حکومت تشکیل دهیم؛ اگر اکثر ناس را ول کنیم که تبدیل می‌شویم به یک فرقه و همین اکثر ناس که نمی‌فهمند می‌آیند و ساقطمان می‌کنند! پس این یک واقعیت است و واقعیتی است برای تغییر نه برای پذیرش.

بخش دیگری از موانع، به موانع ذهنی و رفتاری حزب‌اللهی‌ها برمی‌گردد. شما ببینید خداوند حتی برای قوم لوط هم پیغمبر فرستاده است! اما ما الان چقدر واقعاً جرئت داریم خدا را به دل کج‌روی‌های اجتماعی بزنیم- و این کج‌روی‌ها را اصلاح کنیم؟ ببینید این موانع ذهنی باعث شده از جامعه دور بقیتم. بگذارید صادق باشیم، خداوند به حضرت ابراهیم می‌گوید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» نمی‌گوید «للحزب اللّهیون» نمی‌گوید «للمؤمنون» بلکه می‌گوید «لنناس»، ناس همه مردم هستند. ما تفسیرمان و انگاره‌های ذهنیمان این نیست که دین برای همه است بلکه فکر می‌کنیم برای حزب‌اللهی‌ها و مومنون است و ایسن فاصله گرفتن از حرف قرآن است. ما مثل یک فرقه با مردم رفتار می‌کنیم. ما هنسر رفتار با مردم را نداریم. پیامبر ۴۰ سال با جامعه جاهلی زندگی کرد و بعد پیامبر شد و قرار بود همان جامعه جاهلی را هدایت کند و رشد دهد. بله هزینه هم دارد سختی هم دارد مشکلات هم دارد. این نوع برخورد کنونی ما باعث می‌شود جامعه فکر کند اسلام، امنه، روحانیت و ولایت فقیه فقط برای حزب‌اللهی‌هاست و آنها نباید دورش بیایند، در حالی که در طول تاریخ روحانیت و دین همبیشه پناهگاه و ملجا مرد بوده است و در گام دوم هم باید این اصلاح شود.

**یک مایع هم شما باید فهم از عدالت باشد. بعضی‌ها تنها فهمشان از عدالت، عدالت مادی است یعنی فقط در تحقق عدالت دنبال توزیع امکانات مادی هستند و بس.**



**عدالت را تنها در همین می‌بینند که برای روستاها جاه‌دای فراهم شود و یخچالی برود و برق کشی شود.**

بله ایند نگاه ماتریالیستی در برخی‌ها وجود دارد و اشتباه هم است. عدالت زمانی تحقق می‌یابد که نیازهای مردم در همه جهات تأمین و فرصت شکوفایی استعدادهایشان فراهم شود. این از حقوق ملت است. عدالت جز این نیست که بندگان خدا به حقوقشان برسند و این حقوق فقط حقوق مادی نیست بلکه حقوق غیرمادی مهم‌تر است. مثلاً همین برنامه عصر جدید را ببینید، این برنامه واقعاً در زمینه عدالت رسانه‌ای عالی بود و به همه مردم این فرصت را داد که استعدادهایشان دیده و به آنها توجه شود البته تقدهایی هم به این برنامه وارد است ولی از این منظر بسیار جایش خالی بود. لذا باید عدالت را گسترده‌تر دید و فقط در حد امکانات مادی آن را خلاصه نکرد و به شکوفایی استعدادها و تأمین نیازهای غیرمادی نیز توجه داشت و از طرفی نباید منتی هم بر سر مردم بگذاریم.

**به عنوان آخرین سؤال به نظر تان اولین گام در گام دوم انقلاب برای تشکیل یک جامعه عدالتخواه چیست؟**

اولین گام در گام دوم نقد گام اول است. باید ببینیم چه ایراداتی داشتیم و اشراف کنیم به عملکرد خودمان. اگر ما اشراف کاملی به وضعیتمان نداشته باشیم هر چه جلوتر برویم و بیروس‌ها را اصلاح می‌سیستم رشد کرده و ناگهان در هنگامی که سیستم با تکنه‌ای مواجه می‌شود، خود را بروز می‌دهد. مثل ویروس‌ی که در بدنی وجود دارد و اگر به آن توجه نشود و معالجه نگردد، به محض دارن یک بدن ضعیف شود خودش را نشان می‌دهد. بر کسی پوشیده نیست که ما در ۴۰ سال اول مشکلاتی داشتیم، اشکالی هم وارد نیست چون به قول رهبر انقلاب تجربه‌ای نداشتیم و تنها بدینگونه نانوشته است که غلط ندارد اما مهم آن است که این اشکالات را خودمان به دلسوز این انقلاب و این کشور هستیم ببینیم و با همفکری و هم‌اندیشی رفع کنیم.

## د

اولین گام در گام دوم نقد گام اول است. باید ببینیم چه ایراداتی داشتیم و اشراف پیدا کنیم به عملکرد خودمان. اگر ما اشراف کاملی به وضعیتمان نداشته باشیم هر چه جلوتر برویم و بیروس‌های سیستم‌م رشد کرده و ناگهان در هنگامی که سیستم‌با تکنه‌ای مواجه می‌شود، خود را بروز می‌دهد. مثل ویروس‌ی که در بدنی وجود دارد و اگر به آن توجه نشود و معالجه نگردد، به محض آنکه بدن ضعیف شود خودش را نشان می‌دهد